

اگر جمهوری اسلامی برود ایران از بین خواهد رفت؛ در عمق جامعه هم اگر پرسیده شود میان براندازی و حرکت‌های رادیکال و اصلاحات چه چیز مطلوب است اگر در ورای احساسات زودگذر و عصبانیت‌هایی که از وضع موجود هست بنگریم اکثریت اصلاحات را انتخاب خواهد کرد.

سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور اسبق ایران؛



سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور اسبق در دیدار با جمعی از اصحاب رسانه، اساتید دانشگاه و هنرمندان افزود:

امروز زیاد می‌شنویم که گفته می‌شود می‌خواهیم و باید تمدن اسلامی بسازیم؛ اما توجه نیست که تمدن را افراد نمی‌سازند. البته که متفکران و دانشمندان در تحولات موثرند اما آنان نیز زاده زمان خود هستند. تمدن یک فرآیند عمیق و گسترده‌ای است که با بخشنامه قطعاً پدید نمی‌آید.

به گزارش اسپادانا خبر، خاتمی اظهار داشت: در تاریخ چند تمدن معتبر و جهانی وجود دارد. یونان، روم، ایران قبل و بعد از اسلام و بطور کلی تمدن اسلامی، چین، مصر و ... هستند که تمدنهای شرقی بیشتر درون گرا بوده‌اند. گرچه در دادوستد تاریخی تأثیر خود را بر دیگران گذاشته‌اند. این تمدنها در بروز و ظهور و رشد خود در تعامل و دادوستد با یکدیگر بوده‌اند.

وی گفت: شرایطی ایجاد می‌شود و نظم و سامان موجود تغییر می‌کند و جامعه‌ای که بر اندام جسم و جان جامعه است تنگ می‌شود. جامعه به تدریج عوض می‌شود یا جان و تن رشد یافته جامعه، جامعه را می‌دراند و تمدن جدید پدید می‌آید. البته باید پذیرفت که تمدن ریشه در سرشت آدمی دارد یعنی انسان طبعاً مدنی است. و از این جهت بین جوامع بشری وجه مشترک وجود دارد و به همین دلیل هم گفتگوی بین تمدنها ممکن می‌شود.

خاتمی ادامه داد: در این گفتگو و تبادل است (حتی در جریان جنگ) که تمدنها از یکدیگر اثر می‌پذیرند. چنانکه در جریان جنگهای صلیبی غرب با جهانی کاملاً متفاوت با خود، در دنیای اسلام روبرو شد و همین امر ضربه‌ای بود که او را به آینده و تمدنی نو راهنمایی کرد. از طرف دیگر تمدن اسلامی از یونان، روم، ایران و ... در تاسیس و بسط خود متأثر بوده است؟

رئیس‌جمهور اسبق افزود: بحرانی که اکنون ما داریم این است که در دوران جدید تمدن غرب با استیلایی که داشته، آمده است و عملاً بر باطن و ظاهر زندگی ما تأثیر گذاشته است. امروز زندگی ما در بیشتر جهات وابسته به دستاوردهای تمدن غرب است. برق، علم (ساینس)، تکنولوژی، شهر و سامان جدید آن و حتی نظم و سامان زندگی. مگر ما جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم. جمهوری از کجا آمده از امام هم می‌پرسند جمهوری یعنی چه می‌گویند یعنی همان که در فرانسه است.

خاتمی اظهار داشت: ما متأثر از غربیم بی آنکه از محتوای تمدن غرب و ریشه‌های آن آگاه باشیم، ما به فرهنگ و سنت دیگری تعلق داشته‌ایم و با این پیش آمد دچار بحران شده‌ایم. این آشفتگی و بحران پیش از مشروطیت بوده است و حالا هم هست. تجدد چیست؟ سنت چیست؟ نسبت اینها با یکدیگر کدام است؟ آیا بدون اجتهاد در سنت و اجتهاد در غرب می‌توانیم از این بحران نجات پیدا کنیم؟ یا چنانکه تاکنون بوده است با حس نفرت یا شنیدایی در برابر غرب (رویه تمدن غرب) نه از استیلای غرب نجات پیدا می‌کنیم. نه سستمان برای امروز و آینده به کارمان می‌آید.

وی گفت: من در جایی گفته‌ام که به تعبیر بعضی از آگزیستانسیالیست‌ها ما پرتاب شده‌ایم به مدرنیته یا تمدن جدید. اینطور

نیست که ما به روال عادی که در غرب وجود داشت و با یک سیر تاریخی، به آن رسیده باشیم. بلکه یک تمدن نیرومند به وجود آمده و اصطلاحات، محتویات و سامان ها و دست آوردهایش به نحوی ما را تحت تاثیر قرار داده است. ما با یک مسئله جدید روبرو شدیم و نمی دانستیم چگونه باید با آن رفتار کنیم.

رئیس دولت های هفتم و هشتم ادامه داد: مسئله مهم دیگر این است که امروز در حالی تجدد و سنت و نسبت آنها با یکدیگر مسأله ما است که خود تمدن غرب با بحران تازه روبرو است. البته تمدن جدید با برخورداری از "خود انتقادی" توانسته است تاکنون بحرانهای خود را حل کند؛ مارکسیسم مهمترین مشکل را در قرن ۱۹ برای غرب ایجاد کرد. یعنی مارکسیسم که در واقع آسیب شناسی خیلی هوشمندانه از وجه سرمایه داری غرب بود. غرب را با بحران فکری و عملی بزرگی روبرو کرد ولی این امر سبب به خود آمدن غرب و انتقاد از خود شد و تحولاتی در فکر و عمل سرمایه داری پدید آمد. بگونه ای که سرمایه داری قرن ۲۰ اگر نگوئیم کاملاً با سرمایه داری "بگذار هر چه می خواهند بکنند" فرق دارد دست کم تحولات جدی کرده است. اصناف مختلف و حتی ایده انصاف و عدالت و بیمه ... و خیلی چیزهای دیگر پدید آمده یا جدی تر گرفته شده اند و همچنین بحرانهایی را که در ۱۹۲۰-۱۹۶۰ و حتی در ۲۰۰۸ بود توانست از سر بگذراند.

وی اضافه کرد: اما بحران عمیق تری که وجود دارد و اندیشمندان غربی از دهه های اول قرن بیستم بیشتر به آن توجه کرده و توجه داده اند و اخیراً هم پست مدرنها که بزرگترین شالوده شکن های تجددند در این میدان حرکت می کنند، آنچه در آن تردیدی نیست تمدن جدید آخرین حلقه رشد جامعه بشری نیست و به تعبیر دیگر "پایان تاریخ" نیست. بلکه این تمدن هم جای خود را به تمدنی دیگر خواهد داد. کدام تمدن؟ نمی دانم و فکر می کنم هیچکس مشخصاً نمی داند که چیست؟

رئیس جمهور اسبق تصریح کرد: آنچه مهم است اینکه در انقلاب ما اعتراض به وجه سیاسی تمدن غرب قوی بود. نوعی اعتراض به تمدن غرب هم بود و در ایران پیش از انقلاب هم بود. منتهی تمدن غرب را (بیشتر) در وجه سیاسی آن یعنی لیبرال دموکراسی دیدن آنهم تاثیر و تأثیری که غرب در بیرون مرزهای ملی خود داشته است و خشم خود را بر سر غرب و تمدن غربی و تجدد از پایگاه فاشیسم و کمونیسم (که خود زاده تمدن غربند) یا از دیدگاه بنیادگرایی اسلامی یا نژادی آوار کردن، افتادن از چاله به چاله است.

خاتمی افزود: من گفته ام و باز هم می گویم آنچه نزد ما غایب است اجتهاد است. اجتهاد در سنت و اجتهاد در تجدد (و مدرنیته). نقد تمدن غرب آری، نفی آن نه. نقد سنت آری، نفی آن نه. اگر اعتراض داریم نباید و نمی توانیم از دست آوردهای عظیم و مثبت و گریزناپذیر تمدن غرب غافل باشیم بلکه در عین حال که جهات مثبت را می خواهیم باید متوجه بحران آن هم باشیم و به پسا تجدد نگاه کنیم. در حالیکه بسیاری از تحلیلگران و وابستگان به انقلاب، تجدد را نقد می کنند ولی نگاهشان به پیشا تجدد است که نه قابل احیاء است و نه اگر باشد دردی را دوا می کند. یعنی نفی غرب با تمنای (غیر قابل حصول) بازگشت به دوران پیشا تجدد.

وی اظهار داشت: امروز هدف باید توسعه همه جانبه کشور توأم با عدالت باشد. امنیت در این زمینه ضروری است و اقتدار، پشتوانه امنیت است. و اقتدار واقعی علاوه بر توان نظامی و قدرت بازدارندگی حتماً باید متکی بر رضایت مردم و نزدیکی حاکمیت با مردم باشد. و رضایت مردم نیز با مشارکت آنان در همه عرصه ها و تأمین حقوق آنان و برخورداری از اقتصاد توانا و پویا و تلاش برای رفع فقر و فساد است و نیز اینکه حکومت خود را مصرف کننده اندیشه و در انتظار راه کارهائی باشد که دانشمندان-متخصصان و افراد مجرب دارند. در این امر با سیاستهای رایج که مبتنی بر پاکسازی و یکدست سازی و حذف و محدودیت بنام تأیید یا رد صلاحیت است ابداً جور در نمی آید.

رئیس جمهور اسبق گفت: انقلاب ما یک انقلاب بزرگ بود. خروجی این انقلاب برای مرحله ایجابی، جمهوری اسلامی بود. در حالیکه بسیاری از حرکتیهائی که بنام اسلام بوده و هست هدفشان خلافت اسلامی و امارت مومنان و ... بوده و هست و آثار و نتایج آن را هم دیده ایم.

خاتمی اظهار داشت: اگر ما یک جمهوری اسلامی داشته باشیم که حدّ نصابی از ملاک های جمهوریت را داشته باشد و بخواهد جمهوری به همان معنا که در دنیاست پیاده کند و در عین حال قرائتی از اسلام را نیز داشته باشد که با رأی مردم، حقوق انسانها و مسئولیت قدرت در برابر نهادهای مردمی ... سازگار باشد. بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد. روشنفکران و مردم به این جمهوری اسلامی رأی دادند. اگر این مردم می دانستند خلاف آن صورت خواهد گرفت به جمهوری اسلامی رأی نمی دادند.

وی ادامه داد: چه در داخل و چه در عرصه های بین المللی من معتقدم می توان تصویری و تعریفی از جمهوری اسلامی داشته باشیم که ما را با مشکلاتی که داریم مواجه نکند. اگر این نظام با همه کاستی ها و عیب هایش کنار برود سرنوشت ایران به مراتب تلختر از این خواهد شد که هست. تجزیه طلبی، دخالت خارجی، نفوذا و ... ایران را از بین خواهد برد و تنها راه اصلاح اساسی، کاری کم هزینه تر و با فایده تر از هر راه کار دیگر است.

رئیس دولت های هفتم و هشتم تصریح کرد: اکثر مردم می خواهند زندگی کنند. اگر مشکلات اقتصادی، سیاسی و منزلتی مردم و ... کشور حل شود رضایت مردم هم کم و بیش بدست خواهد آمد.

وی ادامه داد: اما یک مسئله مهمتری که وجود دارد مسئله شکاف نسلی است؛ با توجه به تحولاتی که در زمینه ارتباطات و تکنولوژی پیش آمده است باید گفت دنیا با مسئله جدید روبرو شده است. با هوش مصنوعی و ارتباطات، مرجعیت های پیشین در دنیای امروز به شدت تضعیف شده است. حتی دیگر دولت ملت اهمیت خود را از دست داده است.

خاتمی گفت: نسل جدید در باورهای خود با گذشته فرق کرده است. خواسته‌ها و آرمانهایش عوض شده است. البته طبق نظرسنجی‌ها هنوز دلبستگی به میهن و دغدغه سرنوشت آن و پیشرفت آن در نسل زد (Z) قوی است.

رئیس‌جمهور اسبق تصریح کرد: در نهایت من معتقدم راهی جز اصلاحات وجود ندارد و در عمق جامعه هم اگر پرسیده شود میان براندازی و حرکتهای رادیکال و اصلاحات، چه چیز مطلوب است. اگر در ورای احساسات زودگذر و عصبانیت‌هایی که از وضع موجود هست بنگریم بنظرم اکثریت اصلاحات را انتخاب خواهد کرد.

منبع | ایرنا

برچسب‌ها: [اصلاحات](#) [1]

[دانشگاه](#) [2]

[براندازی](#) [3]

[فرهنگ](#) [4]